

# بررسی سیاست خارجی روسیه در مورد جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر برنامه هسته ای ایران)

مجتبی محمدی نودهکی\*

محمدرضا اصغری\*\*

مهدی جاودانی مقدم\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲

## چکیده

روسیه و ایران روابط پرفراز و نشیبی را طی قرن‌ها سپری کرده‌اند. مهمترین این روابط در دوران تزاری و حکومت کمونیستی سابق و روسیه جدید پس از ۱۹۹۱ رقم خورده است. سیاست روسیه در قبال ایران قبل از فروپاشی شوروی منفی و همواره با دخالت‌های نظامی و سیاسی همراه بوده است اما پس از فروپاشی شوروی و در دوران ریاست جمهوری پوتین سیاست همکاری همراه با واگرایی را ادامه داده است. سیاست روسیه در این سالها در زمینه‌های مختلف دارای نقاط عطفی بوده است. سیاست متناقض روسیه بویژه در مورد برنامه هسته ای ایران خود را نمایان کرده است. با وجود اینکه روسیه تنها کشوری بود که پس از کناره‌گیری کشورهای غربی در مورد ادامه همکاری با ایران در زمینه هسته ای، به همکاری خود با ایران ادامه داد، اما از ابتدای بحران هسته ای ایران سعی کرده روابط خود را با غرب و ایران حفظ کند و منافع خود را از این دعوا تامین کند. سیاست‌های متناقض روسیه که متأثر از متغیرهای داخلی و خارجی می‌باشد، باعث شده تا در این پژوهش سعی شود علل تناقض رفتاری این قدرت مورد بررسی قرار گرفته تا فهم روشن‌تری از این سیاست‌ها بعمل آید. زیرا اشتباه محاسباتی باعث می‌شود تا با اتکا و خوش بینی بیش از انتظار به روسیه و ظرفیت‌های واقعی سیاست خارجی روسیه به نتیجه مطلوب نرسیم.

## سپهر سیاست

سال سوم

شماره هشتم

تابستان ۱۳۹۵

**کلیدواژه‌گان:** سیاست خارجی روسیه، سیاست متناقض روسیه، متغیرهای داخلی، مخالفت آمریکا و حمایت روسیه، نقاط عطف روابط روسیه و ایران

\* کارشناس ارشد مطالعات اروپا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\* کارشناسی ارشد، پژوهشگاه امام صادق علیه السلام، قم، ایران

\*\*\* نویسنده مسئول: استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: javdani2020@gmail.com

روابط ایران و روسیه بیش از هزار سال است که ادامه یافته است. این روابط در عصر صفویان اجتماعی و تجاری و در دوره قاجار به صورت سیاسی - نظامی درآمده بود. همین روابط برای دو سده بعد به مهمترین عنصر در حیات سیاسی بین المللی ایران تبدیل شده بود. از زمان پتر کبیر شاهد رخداد‌های اساسی در دستگاه سیاست خارجی روسیه بودیم و مفهوم شرق و جنوب نیز معنای تازه ای پیدا کرده بود. همچنین توجه ویژه ای نسبت به شناخت کشورهای این حوزه از جمله ایران در دستگاه سیاست خارجی روسیه پیدا شده بود. به تدریج روسیه تزاری به یکی از عوامل تعیین کننده در سیاست ایران در قرن نوزدهم تبدیل شد. پس از آن با به وجود آمدن حکومت بلشویک ها و حوادث جنگ جهانی دوم، میان ایران و شوروی روابط تیره و تاری بوجود آمد. تنها پس از فروپاشی شوروی بود که روابط بین دو کشور، از حالت خصمانه خود دور شد و سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران حالت متعادلتی گرفت. (سنایی، ۱۳۷۸: ۱۰).

روابط ایران و روسیه در نخستین ماه های استقلال روسیه، با توجه به حاکمیت نگرش غرب گرایانه بر سیاست خارجی روسیه که تا نیمه سال ۱۹۹۳ بطول انجامید، دچار رکود موقت شد. به تدریج با تحول در سیاست خارجی روسیه و تضعیف نگرش های هوادار غرب از یکطرف و تقویت گرایشهای ملی گرایانه از سوی دیگر، نگرش رهبران روسیه نسبت به ایران تغییر کرد. این تغییر نگرش روسیه دلایل دیگری نیز داشت. از جمله مسائل اقتصادی روسیه نیازمندی این کشور را توجیه می کرد. ایران نیز به پیشرفت ها و تسلیحات نظامی روسیه نیازمند بود. در همین زمینه بود که همکاری های بازرگانی و فروش راکتور هسته ای آب سبک به ایران انجام شد که مخالف های آمریکا را نیز در پی داشت. با شروع ریاست جمهوری پوتین از سال ۲۰۰۰، رابطه ایران و روسیه دنبال شد. پوتین در نخستین ماه های به قدرت رسیدن خود بیشتر جهت گیری های ضد آمریکایی و ملی گرایانه را دنبال می کرد، ولی بزودی ملی گرایی او با واقع گرایی در آمیخت. از یکطرف در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر، با توسعه روابط خود با آمریکا به تامین نیازهای داخلی و خارجی خود پرداخت و از طرف دیگر فروش سلاح و همکاری با ایران را ادامه داد. بنابراین در این دوران سیاست پوتین پرهیز از انتخاب کامل آمریکا یا ایران بوده است. (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۹۵-۲۹۴).



این سیاست با بحرانی شدن موضوع هسته ای ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد همچنان ادامه یافته است. از یکطرف مقامات روسیه در مقابل ادعاهای غرب و تحریم های شدید آنها علیه برنامه هسته ای مخالفت کرده و حتی با صدور قطعنامه های جدید شورای امنیت موافق نبودند، اما از طرف دیگر، سرانجام با قطعنامه های شورای امنیت موافقت کرده و ایران را به شفاف نبودن فعالیت های هسته ای اش متهم می کنند. یا در تحویل نیروگاه بوشهر در موعد مقرر به دلایل واهی کارشکنی کرده اند. در دوران ریاست جمهوری مدمدیف با توجه به بده بستان های روسیه و طرف آمریکایی، با وجود مخالفت های اولیه با قطعنامه های شورای امنیت سرانجام با همه آنها توسط روسیه موافقت کرد. سیاست دو پهلوئی روسیه سوالات زیادی را به ذهن متبادر می کند.

سیاست های دوپهلوی روسیه در قبال ایران بویژه در مورد برنامه هسته ای باعث شده تا این ابهام که سیاست روسیه نسبت به ایران راهبردی است یا تاکتیکی به آن پرداخته شود. بنابراین در این تحقیق سعی شده تا برای فهم واقع بینانه تر از موضوع مورد بحث، سیاست های روسیه پس از فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۱۳ مورد بررسی گرفته تا نقش اصلی روسیه در مسائل مربوط به ایران که مهمترین آن برنامه هسته ای است، آشکار شود. به عبارت دیگر این موضوع بررسی شود که چرا روسیه در زمان های مختلف سیاست های متناقضی را در مورد برنامه هسته ای کشورمان به اجرا می گذارد. این بررسی می تواند فهم واقع بینانه تری از سیاست های روسیه به محققین و مسئولین مربوطه داده تا دچار اشتباه محاسباتی نشده و برنامه ریزی بهتر و دقیق تری نسبت به روابط خود با روسیه داشته باشند.

**سوال اصلی:** عمق و کیفیت سیاستهای فدراسیون روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران چیست؟

**فرضیه تحقیق:** عمق روابط و سیاست روسیه نسبت به ایران سطحی بوده نه استراتژیک، که در شرایط زمانی مختلف تاکتیک های متفاوتی را به اجرا گذاشته و در پی دستیابی به منافع بیشتر بویژه از دعوای بین ایران و آمریکا در مورد برنامه هسته ای است.

**روش تحقیق:** نوع این مطالعه توصیفی-تحلیلی است. از ابزار کتابخانه و اینترنت استفاده شده است. و در نهایت برای تحلیل اطلاعات گردآوری شده از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

بررسی سیاست خارجی

روسیه در مورد

جمهوری اسلامی ایران ...

(۱۱۳ تا ۱۳۲)

## متغیرهای داخلی تاثیرگذار در سیاست خارجی روسیه

برای فهم واقع‌بینانه‌تر سیاست خارجی هر کشور آگاهی از عوامل داخلی و خارجی تاثیرگذار بر سیاست خارجی آن لازم است. متغیرهای فردی، اجتماعی، دولتی و چندمتغیری که شامل سه متغیرپیشین می‌شود از عوامل داخلی تاثیرگذار است.

### متغیرهای فردی

در مورد متغیرهای فردی در روسیه باید اشاره کرد که قانون اساسی روسیه در سال ۱۹۹۳، نقش برتر و مهمتری برای رئیس جمهور نسبت به سایر قوا در برابر سیاست خارجی قائل شده است. هدایت سیاست خارجی جدید طبق قانون اساسی با رئیس جمهور است. رئیس جمهور با اختیارات گسترده‌ای که در عرصه داخلی دارد از شخصیتی قدرتمند برخوردار است. او می‌تواند دوما را منحل کرده و دستور برگزاری انتخابات دوباره را صادر کند. همچنین عامل دیگری وجود دارد که شخصیت و قدرت فردی رئیس جمهور در سیاست خارجی را افزایش داده است. آن نبود نظارت کنترلی جدی بر رئیس جمهور و اختیارات گسترده او است.

بنابراین از این جاست که مطالعه شخصیت رئیس جمهور روسیه برای فهم چگونگی شکلگیری سیاست خارجی این کشور دارای اهمیت است. برای نمونه اطرافیان و مشاوران یلتسین، رئیس جمهور وقت روسیه تاثیر زیادی در تغییر سریع دیدگاه‌های او نسبت به مسائل تاثیرگذار داشته‌اند. زیرا او را تابع امیال زودگذر و آنی می‌دانستند. بیماری قلبی او از سال ۱۹۹۵، نیز برای مدتی او را از عرصه سیاست خارجی دور نگه داشت. دومای روسیه به دلیل نبود تفکیک قوای مناسب نتوانست او را برکنار کند. ضعف چنین رئیس جمهوری امکان تصمیم‌گیری قاطع را از او سلب می‌کرد. بطوریکه روس‌ها از عملکرد خود در مقابل غرب احساس شرمندگی می‌کردند. روس‌ها غرور از دست رفته خود را دوباره با روی کار آمدن پوتین باز یافتند. شخصیتی که بکلی از یلتسین، اولین رئیس جمهور روسیه متفاوت بوده است. بطوریکه روس‌ها او را "قهرمان امید باز یافته روس‌ها" دانسته‌اند. در نتیجه اینکه کسانی که بر متغیرهای فردی تاکید دارند رویدادها و نوسانات و سردرگمی سیاست خارجی روسیه در دوره نخست را بخاطر شخصیت یلتسین می‌دانند. در مقابل اقتدار بین‌المللی مسکو و سیاست‌های مستقل روسیه در برابر غرب را ناشی از شخصیت پوتین می‌دانند.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

## متغیرهای اجتماعی

از دیگر عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه است. منظور از آن، گروه‌ها، نگرش‌ها، افکار عمومی، رسانه‌ها و عوامل اقتصادی است. یکی از مهمترین این گروه‌ها، الیگارش‌های بودند که سرمایه تجاری و مالی و رسانه‌ها را در اختیار داشتند. آنها از مهمترین گروه‌هایی هستند که در جریان انتخابات دوما و رئیس‌جمهوری به نامزدها کمک می‌کنند. اما نقش آنها را بخاطر نبود شفافیت در روند تصمیم‌گیری روسیه نمی‌توان به راحتی مشخص کرد. احزاب نیر بیشتر فصلی بوده و در شرایط خاصی بوجود می‌آیند. از این رو نقش آنها نیز چندان قوی نمی‌باشد. بالاخره می‌توان به نقش و اهمیت ریاست‌جمهوری به عنوان یک ساختار نه یک فرد و وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی به عنوان روندهای سازمانی تصمیم‌گیری سیاست خارجی اشاره کرد. مجموعه این عوامل می‌توانند در سیاست خارجی روسیه تاثیرگذار باشد، که می‌توان آنها را در قالب تحلیل چند متغیری بررسی کرد. (کرمی، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۹).

## نقاط عطف روابط ایران و روسیه

دو رخداد مهم در روابط دو کشور تحول اساسی بوجود آورد. یکی از آنها پدیده انقلاب اسلامی در ایران و دومی فروپاشی اتحاد شوروی بود. به فاصله دوازده سال این دو اتفاق به وقوع پیوست که باعث خروج از موقعیت همسایگی و دور شدن روسیه از مرزهای ایران تا آن سوی کوه‌های قفقاز شمالی شد. از آن پس بود که بسیاری از نیازهای داخلی دو کشور و تهدیدهای مشترک که برای دو کشور در محیط بین‌المللی ایجاد شد، آنها را به همکاری‌ها و منافع مشترک و همچنین رقابت کشاند. از جمله مهمترین این موارد می‌توان به موضوع همکاری‌های هسته‌ای دو کشور پس از انقلاب اسلامی اشاره کرد. این موضوع همواره تحلیل‌ها و پرسش‌های زیادی را در این باره مطرح ساخته و حتی نگرانی غرب را فراهم ساخته است. (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و در اوایل آن سالها روابط دو کشور بسیار سرد و منجمد بود. از جمله دلایل آن می‌توان به تضاد ایدئولوژیک، جنگ ایران و عراق که شوروی از عراق حمایت تسلیحاتی می‌کرد و حمایت شوروی از

بررسی سیاست خارجی  
روسیه در مورد  
جمهوری اسلامی ایران ...  
(۱۱۳ تا ۱۳۲)

کمونیسست های داخل کشور نام برد. این روابط ادامه داشت تا اینکه گورباچف با سیاست های جدید خود رهبری شوروی را در دست گرفت. پیامد این تحول تغییر سیاستهای شوروی نسبت به افغانستان و پایان یافتن جنگ ایران و عراق و سایر مسائلی بود که باعث سردی روابط دو کشور شده بود. از این زمان به بعد روابط دو کشور دچار رخدادهای جدی شد. از آن جمله می توان به دوران هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. ایران در این زمان برای روابط خود با روسیه اهمیت فراوانی قائل بود.

روابط دو کشور ایران و روس در این سالها دگرگونی های زیادی داشته است. در ابتدای دوران پس از فروپاشی شوروی که آتلانتیک گرایی بر سیاست خارجی روسیه حاکم بود، توجه چندانی به ایران نمی شد. بروز برخی مسائل در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز روابط دو کشور را دگرگون کرد. از جمله آنها می توان به، آینده رژیم حقوقی دریای خزر و درگیری بین ارمنستان و آذربایجان بر سر قره باغ، همچنین نگرانی روسیه از گسترش ناتو به سوی شرق نام برد. اولین سفر رسمی مقام عالی روسیه به تهران در سال ۱۹۹۴ انجام شد. در ادامه نیز موافقت نامه بین ایران و روسیه در زمینه ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به امضا رسید. آن می توانست به مشکل مالی که صنایع اتمی روسیه را با بحران جدی مواجه کرده بود التیام دهد. از این زمان همراه با گسترش روابط بین دو کشور، شاهد میزگردهای مختلفی بین دو کشور هستیم. هدف آنها نزدیک کردن دیدگاه های دو کشور در برخی مسائل مهم منطقه ای بوده است.

همانطور که ذکر شد مسائل دریای خزر و رژیم حقوقی آن همواره روابط ایران و روسیه را تحت تأثیر قرار داده است. برای ایران و روسیه منابع انرژی دریای خزر بیش از اهمیت اقتصادی، دارای جلوه های سیاسی\_امنیتی بوده است. هر دو کشور در برابر اقدام های یکجانبه برای بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر ابتدا مواضع یکسانی داشتند. اما زمانی که مسیرهای انتقال انرژی این منطقه مطرح شد، مسئله برجسته و رقابت هایی آشکار شد. روسیه مایل به حفظ نفوذ خود در انتقال انرژی از منطقه و بهره بردن از مزایای آن بود. ایران نیز خواستار ایفای نقش خود است، اما با تلاش های آمریکا برای محروم کردن ایران از مزایای این طرح، ایران نتوانسته به اهداف خود برسد. مورد بعدی، جنگ داخلی تاجیکستان بود که با دخالت ها و میانجیگری های مثبت ایران این مسئله حل شد. پیامد آن روابط گرم و



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

سازنده ایران و روس بود. در آوریل ۱۹۹۷ روابط دو کشور با سفر ناطق نوری، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به مسکو گسترش یافت. همچنین رئیس جمهور وقت خاتمی در مارس ۲۰۰۱ به مسکو سفر کرد. پیامد آن امضای قراردادهای مختلف بود. (کولایی، ۱۳۸۷: ۲۱۴-۲۱۱).

### سیاست خارجی روسیه پس از سال ۲۰۰۰، واگرایی و همگرایی با ایران

سیاست خارجی روسیه از سال ۲۰۰۰ به بعد با تحول اساسی مواجه شد. در این سال، با روی کار آمدن پوتین امید مردم روسیه به غرور از دست رفته و امید به احیای عظمت دوباره روسیه زنده شد. دگرگونی اساسی در سیاست مسکو نسبت به جهان را می توان در اسناد مربوط به "مفهوم امنیت"، "مفهوم سیاست خارجی" و "آموزه نظامی" که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد مشاهده کرد. در سند مفهوم سیاست خارجی، دستیابی به جایگاهی مهم در جامعه جهانی که با منافع روسیه به عنوان یک قدرت جهانی سازگاری داشته و بتواند بر فرآیندهای کلی جهانی تاثیرگذار باشد تاکید شده است. از یکجانبه گرایی آمریکا و تاکید بر نهادهای غربی که سبب تضعیف سازمان ملل شوند به عنوان نمونه تهدیدهای جدید برای منافع روسیه یاد شده است. به همین علت بر نظام چندقطبی و پی گیری سیاست خارجی مستقل تاکید شده است. همچنین بر همکاری با کشورهای مستقل همسود و آمریکا و اولویت های منطقه ای چون اروپا و خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین در این سند تاکید شده است. برخی این رخدادهای سریع و بزرگ در سیاست خارجی روسیه را «جنگ سرد جدید» و «بازگشت روسیه به اقتدار پیشین» نام نهادند. (کرمی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۹). دیدارهایی که پوتین با چین، کره شمالی، کوبا داشته و یا فسخ یکجانبه موافقتنامه گور-چرنومردین (که در سال ۱۹۹۵ برای محدود ساختن همکاری نظامی - فنی با ایران بسته شده بود) داشت از نمونه های این دگرگونی بوده اند.

سرگی کاراگانف، رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه بر این باور است که روسیه می خواهد موقعیتی در خاورمیانه بدست آورد و به وضعیت اقتصادی خود سر و سامان دهد. همچنین به یک قدرت جهانی تبدیل شود و در این زمینه روسیه خواستار دوستی با سایر کشورهای جهان از جمله ایران است. او متذکر می شود ایران نیز باید از رویای دست یابی به سلاح های هسته ای صرف

بررسی سیاست خارجی  
روسیه در مورد  
جمهوری اسلامی ایران ...  
(۱۱۳ تا ۱۳۲)

نظر کند که در غیراینصورت تمامی جهان با او دشمن خواهند شد!! ولادیمیر پوتین نیز ضمن اهمیتی که به روابط با ایران قائل است گفته که دو کشور می توانند در مسائل منطقه ای و بین المللی به گفتگو بنشینند. همچنین به نقش بسیار مهم ایران در خاورمیانه و آسیای مرکزی اشاره کرده و گفته که غرب به بهانه برنامه هسته ای ایران سعی دارد روسیه را از بازارهای پر منفعت ایران خارج کند. در ادامه پوتین تاکید می کند که همکاری با ایران تابع همکاری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی، می باشد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۱-۵۶).

یکی از مناطقی که همواره در روابط با ایران و روسیه سبب رقابت و همکاری شده است، آسیای مرکزی و قفقاز است. سیاست منطقه ای روسیه در آسیای مرکزی به دلیل وضعیت نابسامان داخلی پس از فروپاشی شوروی تا مدتها متزلزل بود. روسیه سعی داشت تا همچنان نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی خود را در منطقه ادامه دهد اما این وضعیت دشوار بود. اشاره به این منطقه به عنوان «خارج نزدیک» نشان از این توجه داشت. در مجموع اهداف روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز را می توان در اهداف اقتصادی از راه بهره برداری از منافع نفت و گاز و... منطقه و منافع قومی - فرهنگی نام برد. همچنین منافع نظامی - استراتژیک که در نتیجه جلوگیری از بی ثباتی و منازعه و همچنین تسلط دیگر بازیگران است. منافع سیاسی نیز از راه جلوگیری از اسلام افراطی در منطقه تامین خواهد شد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰).

برخی موارد زمینه های برخورد منافع دو کشور در این منطقه فراهم کرده است. از جمله آنها می توان به برخی همکاریهای اقتصادی ایران و جمهوری های آسیای مرکزی که به نفع روسیه نبوده، اشاره کرد. انتخاب مسیر ایران برای انتقال و حمل و نقل نفت و گاز منطقه، انتخاب همکاری های فرهنگی که باعث رشد و گسترش اسلام در منطقه شود و در هویت سازی برای مردم منطقه موثر باشد. همچنین تدوین رژیم حقوقی دریای خزر به گونه ای که حقوق ایران به طور کامل ایفا شود. (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). روابط دو کشور در بیست سال اخیر روبه پیشرفت بوده و در زمینه های استراتژیک همکاری های مشترکی داشته اند. تا آنجا که مسکو در شمار ده شریک تجاری برتر ایران نیز محسوب می شود. حتی در دولت نهم و دهم اهمیت همکاری با روسیه به طور جدی پیگیری شده است. یکی از دلایل آن نیز تاکید است که روسیه بر همکاری با شرق قائل شده است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵



چالش هایی در روابط دو کشور وجود داشته و دارد. تأخیر در تحویل سامانه های پیشرفته موشکی «اس ۳۰۰» و سایر لوازم پیشرفته به ایران از آنجمله است. همچنین تغییر روش روسیه نسبت به مسائل حقوقی دریاچه خزر نیز یکی از مشکلات بین دو کشور است که از نظر ایران، روسیه به توافق های پیشین خود تا قبل از حصول توافق جدید عمل نکرده است. از نظر روس ها، نگاه ناامیدانه نخبگان ایران که در اساس در غرب آموزش دیده و توانمندی های روسیه را به دیده تردید می نگرند می تواند همواره بر گسترش روابط دو کشور تاثیر منفی داشته باشد. یکی دیگر از موانع توسعه روابط دو کشور نبود همکاری روشن میان بانک های دو کشور است که مسائل زیادی را برای تجار دو کشور فراهم کرده است. همچنین اطلاعات اندک و نادرست کارفرمایان و تجار دو کشور از بازارهای یکدیگر و نبود کادر متخصص در زمینه توسعه روابط از جمله مسائل دیگر است. یکی از مسائل راهبردی بین دو کشور، پرونده هسته ای ایران می باشد که همواره در این سالها خبرساز شده است. ساخت نیروگاه های اتمی در ایران سابقه طولانی دارد. ساخت نیروگاه اتمی بوشهر یکی از آن مواردی است که در ابتدا قرار بود توسط متخصصان آلمانی ساخته شود. اما پس از انقلاب به دلایل مختلف سیاسی به تعویق افتاد. در اواسط دهه ۱۹۹۰ روسیه و ایران درباره ساخت همین نیروگاه به توافق رسیدند و قرار شد تا سال ۲۰۰۶ تمام نیروگاه به بهره برداری برسد. این طرح همواره با مخالفت های شدید آمریکا مواجه شد که ادعا می کرد این فعالیت ها با قرارداد عدم اشاعه سلاح های هسته ای مغایر است. این فشارها تاکنون به نتایج مطلوب طرف آمریکایی نرسیده زیرا با منافع درازمدت روسیه در تضاد است.

بررسی سیاست خارجی

روسیه در مورد

جمهوری اسلامی ایران ...

(۱۱۳ تا ۱۳۲)

### مخالفت آمریکا و علل حمایت و نگرانی روسیه از برنامه هسته ای ایران

برخورد آمریکا و روسیه به طور خاص پس از تکمیل طرح نیروگاه اتمی بوشهر که هیچ یک از کشورهای غربی کمکی به ایران نکرده بودند، وارد فاز جدیدی شده بود. مقام های رسمی روسیه همیشه بر عادی بودن و صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران تاکید می کردند. روسیه همیشه تولید موشک های بالستیک برای ایران را انکار کرده است. اما مقام های رسمی آمریکا همیشه سخنان خود را درباره کمک روسیه برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و کمک به ایران در دسترسی به

تسلیحات هسته ای را تکرار کرده اند. تعدادی از کارشناسان روسی فشارهای آمریکا را به زیان های اقتصادی آمریکا در این پروژه مربوط می دانند. از این منظر، همکاری هسته ای روسیه با ایران، با همکاری هسته ای آمریکا با کره شمالی شباهت دارد. زیرا آمریکا قول داده بود برنامه کره شمالی به نتیجه برسد و پایان داده شود، اما اینگونه نشد. بنابراین روسیه نیز به همکاری با ایران ادامه داد. برای روسیه آمادگی ایران برای بازرسی های بین المللی همیشه یک دلیل شفاف برای این کشور در رابطه احترام آمیزش با ایران بود. با این وجود روسیه ادامه همکاری بین ایران و آژانس بین المللی اتمی را تاکید می کند. تعدادی از آمریکایی ها ادعا می کنند که روسیه به ایران برای ساخت تسلیحات هسته ای کمک می کند، اما آنها قادر نیستند هیچ مدرکی برای ادعایشان نشان دهند. همچنین آمریکایی ها و اسرائیلی ها همیشه درباره تکمیل تکنولوژی موشک های ایرانی توسط روسیه نیز به همان نسبت احساس نگرانی کردند. (Koolae, 2009: 6)

از نگاه تحلیلگران روس، علاقه روسیه به برنامه هسته ای ایران نه تنها به ساخت نیروگاه اتمی بوشهر بلکه به ایرانی است که یکی از کشورهای در حال توسعه است. راهی که ایران در زمینه برنامه هسته ای انتخاب کرده نه تنها بر اوضاع منطقه اثر می گذارد بلکه آینده جهانی کنترل عدم گسترش سلاح های هسته ای را نیز تعیین می کند. همچنین این تحلیلگران معتقدند که در زمینه هسته ای ممکن است متخصصین آمریکایی جای آنها را بگیرند. و معتقدند که درست نیست ایران غیر هسته ای از اسرائیل هسته ای تهدید آمیز تر جلوه کند. در مجموع به عقیده کارشناسان روس ایران یک قدرت منطقه ای بوده که از منابع انسانی لازم و فن آوری های جدید برخوردار است. همچنین اقتصاد در حال پیشرفتی داشته که می تواند جوابگوی سیاست دفاعی این کشور بدون داشتن سلاح های هسته ای باشد. در همین زمینه بود که امضای موافقتنامه روسی-ایرانی درباره تحویل سوخت هسته ای برای نیروگاه اتمی بوشهر دور جدیدی از تنش بین آمریکا و روسیه را برانگیخت. حتی پیش نویس قطعنامه ای درباره «مجازات روسیه» در مجلس سنای آمریکا بررسی شد. (سنایی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۰).

همکاری هسته ای پس از امضای قرارداد همکاری برای ساخت نیروگاه بوشهر شامل ساخت نیروگاه، چرخه سوخت هسته ای، تحویل راکتورهای تحقیقاتی، تولید ایزوتوپ، آموزش دانشمندان هسته ای ایرانی و... می شد. در اواخر دهه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

۱۹۸۰، متخصصین در مسکو به شدت از تحقیقات هسته ای برای مقاصد نظامی نگران شدند. از سال ۱۹۹۳ سرویس اطلاعات خارجی روسیه اعلام می کند که ایران دارای یک برنامه نظامی تحقیقات هسته ای است اما بدون کمک فنی خارجی قادر نیست تا ۱۰ سال دیگر به آن دست یابد. روسیه در پس امضای قرارداد هسته ای با ایران اهداف متفاوتی داشته است. از یک طرف می توانست از آن به عنوان ابزاری برای تعقیب منافع ژئوپلیتیک خود در منطقه استفاده کند. از طرف دیگر از پیامدهای تبلیغاتی آن سود ببرد که در آینده باعث قراردادهای مشابه با روسیه در منطقه می شد. به شرطی که روسیه با موفقیت این قرارداد را به اتمام می رساند این عامل می توانست همچنین برای اقتصاد ضعیف روسیه و صنعت هسته ای روسیه در کل در دهه ۱۹۹۰ مفید باشد. (ولادیمیر اورلف و الکساندر وینیکوف، ۱۳۸۷: ۱۹۴-۱۹۶). بنابراین سیاست روسیه در این دوران با فرازونشیب هایی همراه بود. ایران پس از چند سال بنابر گزارش آنتون خلیپکوف یکی از ژنرال های بازنشسته در سال ۲۰۰۳ می توانست به تولید اورانیوم غنی شده دست یابد. همچنین ساخت و جداسازی و ذخیره سازی پلوتونیوم مورد استفاده در تسلیحات را تحت نظارت سازمان بین المللی انرژی اتمی، انجام دهد، بدون آنکه پیمان های بین المللی را نقض کند. این می توانست در روابط بحرانی آمریکا و ایران خطر آفرین شود. دلیل دیگر نگرانی روسیه این بود که روسیه انتظار داشت از فعالیتها در زمینه انرژی هسته ای باخبر باشد. زیرا تنها کشوری بود که در این زمینه با ایران همکاری داشت. پیامد این حرکت از سوی ایران این بود که روسیه تکمیل نیروگاه اتمی را به دلایل فنی به تاخیر انداخت و ایران نیز به بازی کردن با کارت اروپایی ها پرداخت. پیامد چنین رفتاری از سوی ایران امضاء اعلامیه مشترک گروه هشت در ژوئن ۲۰۰۳ بود که روسیه نیز آن را امضاء کرده بود. از تهران خواستند تا پروتکل الحاقی سازمان بین المللی انرژی اتمی، را امضاء و اجرا کند. همچنین در گزارش رسمی وزارت دفاع روسیه، ایران را در کنار کره شمالی در «وضعیت مبهم» قرار داد. در سال ۲۰۰۴، حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران از روسیه به عنوان یک کشور دوست نام برد. همچنین خواستار آن شد تا ایران را در نشست آتی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، یاری کند و روسیه نیز پس از آن ماجرا نیروگاه هسته ای بوشهر را تا مراحل مهمی تکمیل کرد. (و. اوراف و آونیکوف، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۹۷).

بررسی سیاست خارجی

روسیه در مورد

جمهوری اسلامی ایران ...

(۱۱۳ تا ۱۳۲)

بازدیدهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در سال بعد نیز از توسعه فنی ایران در زمینه انرژی هسته‌ای حکایت می‌کرد. گفتگو با اروپا در این زمان باعث شد که ایران تعلیق غنی‌سازی را بپذیرد. در مقابل فشارهای آمریکا و اروپا که خواستار پایان غنی‌سازی در ایران بودند، ایران بر حق خویش در استفاده از تکنولوژی هسته‌ای تأکید می‌کرد. با توسعه این تلاش و دستاوردهایی که در سالهای بعد بدست آمد بر نگرانی‌ها افزوده شد. روسیه در این مسیر خواستار پایبندی ایران به توافقنامه‌ها و پیمان‌ها شده بود. با پایان یافتن ریاست جمهوری خاتمی و با اعلام مواضع ضد اسرائیلی که از سوی دولت جدید ایران اعلام شد، فعالیت‌های هسته‌ای با شدت بیشتری پیگیری شد. پیامد آن فشارهای بیشتر از سوی غرب بود و در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه شدیدالحنی علیه ایران و برنامه هسته‌ای آن تصویب کرد. روسیه نیز در کنار آن قرار گرفت. فشارها و وعده و وعیدهایی که آمریکا به روسیه در این باره ارائه کرد و تأمین منافی که روسیه در این باره می‌توانست به آن دست یابد، باعث شد تا روسیه با تحریم‌ها علیه ایران همراهی کند.

### سیاست‌های دوپهلوی روسیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران

مسکو از یک سو با حمایت از نظارت کافی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و همکاری ایران با این سازمان به دفاع از همکاری‌هایی هسته‌ای ایران - مسکو پرداخته است. همچنین به طور کامل آنرا صلح‌آمیز و قانونی دانسته و از شدت عمل نظامی و تحریم‌ها انتقاد به عمل آورده است. از طرف دیگر تکمیل نیروگاه بوشهر را ۱۰ سال به تعویق انداخته و در برهه‌های زمانی خود را شریک نگرانی‌های غرب در برخورداری ایران از چرخه سوخت هسته‌ای دانسته است. به همین دلیل است که سرانجام در نشست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و شورای امنیت سازمان ملل با وجود مخالفت‌های اولیه، قطعنامه‌های صادره را امضاء می‌کند. در چندین قطعنامه‌ای که علیه ایران در شورای امنیت صادر شده نه تنها روسیه اظهار ندامت نکرده بلکه به نقش خود در کاهش تحریم‌ها اشاره کرده و قول همکاری در آینده را داده‌اند.

شاید روس‌ها از این راه به دنبال تأمین بهتر منافع خود باشد. به این دلیل که این بحران در طولانی مدت ادامه یابد روسیه نیز بهتر می‌تواند منافع خود را از



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

ایران و غرب تامین کند. بنابراین روس ها با اتخاذ سیاستی تأخیری تمامی تلاش خود را می کنند تا این وضعیت ادامه یابد. این سیاست یادآور سیاستهای ریشیلو در فرانسه و بیسمارک در آلمان در قرن های ۱۸ و ۱۹ است. از یک سو از ایران حمایت کرده اما از سوی دیگر زمانی که در موقعیت انتخاب بین ایران و آمریکا قرار می گیرد بیشتر به سمت آمریکا کشانده می شود. حتی در سالهای اخیر مقام های بلند پایه روسیه بر روشن نبودن سیاست ایران در پرونده هسته ای و همکاری نکردن ایران اشاره کرده اند. (امیدی، ۱۳۹۰: ۴۴).

برای نمونه گریگوری بردینکوف، نماینده روسیه در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، سخنانی در این سازمان داشت. او از ایران خواست تا به قطعنامه های شورای امنیت و شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، احترام گذاشته و آنها را اجرا کند. همین عامل را تنها راهکار روسیه برای حل دیپلماتیک برنامه هسته ای ایران ذکر می کند. از سوی دیگر وزارت خارجه مسکو از همکاری ایران با گروه ۵+۱ ابراز امیدواری کرد و از ایران خواسته تا به تعامل با گروه ۵+۱ برای حل مسائل برنامه هسته ای ایران بپردازد. همچنین لاوروف، وزیر خارجه روسیه بعد از نشست گروه هشت بر ضرورت استفاده از راه حل مسالمت آمیز برای حل مشکل هسته ای ایران تاکید کرده است. او تاکید کرده بود احتمال کمی وجود دارد که ایران از موضعگیری های خود عقب نشینی کند و جامعه بین المللی را به پذیرش این امر ترغیب کرد. همچنین، آندره نسترنکو، سخنگوی وقت وزارت خارجه روسیه، اعلام کرده بود که روسیه از تحریم ها حمایت نکرده و از گفتگوهای مستقیم تهران - واشنگتن حمایت می کند. همچنین از صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران حمایت می کند. (کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۸۶).

با وجود سیاستهای به ظاهر دیپلماتیک، در مواقعی که ایران به پیشرفت هایی در چارچوب پیمان های بین المللی در زمینه انرژی هسته ای دست می یابد واکنش های منفی روسیه بروز می کند. در این میان وزارت خارجه روسیه در بیانیه ای پس از قطعنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی، علیه ایران اظهار داشت که ایران این قطعنامه را جدی بگیرد. همچنین هرچه سریع تر همکاری های لازم را در مورد برنامه هسته ای با این سازمان انجام دهد. این سیاست دوگانه روسیه در برابر ایران را بطور شفاف تری می توان در دیدار دیمیتری مدودیف با رهبران یهودیان اروپا

بررسی سیاست خارجی

روسیه در مورد

جمهوری اسلامی ایران ...

(۱۱۳ تا ۱۳۲)

مشاهده کرد. او گفته بود، تهدید ایران را مانند بعضی از کشورهای دیگر مانند کره شمالی جدی دانسته و اظهار کرد که ایران باید در فعالیت های هسته ای خود شفافیت بیشتری ارائه کرده و به خواسته های جامعه جهانی تن در دهد. اگر این موارد اجرا نشود، مواضع سختتری از سوی مسکو اعمال خواهد شد. با این حال او تاکید کرد که از منزوی کردن ایران و راه حل نظامی صرف نظر می کند. (کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۱۸۷).

یکی از دلایل همکاری های ایران و روسیه در زمینه هسته ای، منافع اقتصادی و دیگری کسب وجهه بین المللی برای روسیه می باشد. با بهبود نسبی اقتصاد روسیه در دوره پوتین که شاهد تقویت ارزش روبل و اصلاح قوانین مالیاتی و در کل سیاست های اقتصادی پوتین بودیم. از نظر همگرایی روسیه با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه گذاری خارجی که از مهمترین اهداف دولت روسیه بوده است تاکنون به نتایج مطلوب دست نیافته است. به همین دلیل یکی از موارد جذب سرمایه برای روسیه، برنامه هسته ای ایران بوده است که سرانجام منجر به قراردادی در این زمینه شد. سرگی لاوروف وزیر خارجه وقت روسیه در نهم ژوئن ۲۰۰۴ اعلام کرد که آمریکا بزرگترین سرمایه گذار در اقتصاد فدراسیون روسیه است. به همین جهت بوده که روسیه در برهه ای از روابط خود سیاست حداقلی را نسبت به ایران انتخاب نموده که معنای آن تلاش برای حفظ ایران در عین حال آسیب نرساندن به روابط خود با غرب است. بنابراین تاکید روسیه بر منافع مشترک تا آنجا استمرار می یابد که منافع ملی آن اقتضاء کند. به همین دلیل گاه از سیاست دو پهلو و مبهم پیروی می کند. روسیه سعی کرده تا تصویر بجای مانده از اتحاد شوروی را در نزد غربی ها و ایران بهبود و اصلاح کند. با انتخاب سیاست مداخله نکردن در امور داخلی کشورها سعی کرده به آن دست یابد. مسکو با انتخاب سیاست خارجی که در خدمت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بوده و به منزله یک بازیگر جهانی تلاش می کند تا نقشی در رخدادهای جهان ایفا کند. (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۶۲).

رابطه ایران و روسیه به دلایل دیگری قابل پیش بینی است. نخست، روسیه در ایران دارای بازار ثابت و انحصاری برای اسلحه، لوازم و تکنولوژی اتمی است. دوم، دو کشور منافع منطقه ای در دریای خزر دارند. سوم اینکه مسکو تهران را به عنوان شریک مسئول در آسیای مرکزی می داند. چهارم، روسیه مایل است از احیای تاثیر پیشین آمریکا در ایران جلوگیری کند. فرضیه اصلی که استراتژی روسیه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

را در بردارد این است که ایران حق دارد نقشی به عنوان قدرت اصلی منطقه ای را ادعا کند. در نتیجه، روسیه با برنامه صلح آمیز هسته ای ایران مخالفت نمی کند. از طرف دیگر مسکو منتظر نمی ماند تا ایران فعالیت‌های هسته ای خود را به آسانی گسترش دهد. امروزه روسیه می خواهد تا همه ی مسائل بار دیگر با گفتگو حل شود و هر گونه تهدید نظامی را نمی پذیرد. همچنین کرملین هشدار می دهد که تاثیر پذیری بر سیاست ایران بدون دخالت مستقیم آمریکا امکان پذیر نیست. در نتیجه، مسکو از شرکت آمریکا در گفتگو با تهران استقبال می کند. باید اشاره کرد که اولویت مهم روسیه برقراری گفتگوها بین گروه ۵+۱ و ایران است. در اواخر ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹، وزارت خارجه روسیه اظهار کرد که از تهران انتظار دارد تا بدون تأخیر به پیشنهادها در مورد شروع گفتگوها پاسخ دهند که توسط گروه شش تشکیل شده است. روسها می خواهند به وضعیت پیش از سال ۲۰۰۳ بازگردند (Thomas and Larsperter, 2009: 153-156). یعنی وقتی سازمان ملل هیچ تصمیمی در مورد ایران نگرفته بود. این هدف به ظاهر می تواند اجازه دادن به ایران برای غنی سازی اورانیوم باشد. تا جایی که فعالیت های اتمی ایران توسط سازمان بین المللی انرژی اتمی، به طور جامع بازرسی شود.

از سال ۲۰۰۵ که سرانجام تهران توافق کرد سوخت مصرف شده را به روسیه برای آزمایش مجدد و ذخیره بازگرداند، مسکو نیز شروع به ذخیره سوخت هسته‌ای برای نیروگاه بوشهر کرد. این در حالی بود که قبل از این تاریخ تهران اظهار کرد که اورانیوم را خودش برای راکتور انرژی اتمی غنی می سازد و به کشور دیگری جهت انجام آن نیاز ندارد. این عمل از سوی ایران باعث شد تا روسیه سیاستهای منعطف تری در برابر ایران در پیش بگیرد. انتخابات ایران در سال ۲۰۰۵ بار دیگر آمریکایی ها را مأیوس کرد، اما روسیه همچنان به سیاست دو پهلوی خود ادامه داد. در همان حال گفتگو بین سه کشور اروپایی و ایران به شکست انجامید و پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت فرستاده شد. با اینکه روسیه از تحریم ها و اقدام های سخت افزاری علیه ایران مخالفت می کرد، آن هم به دلیل قراردادهای چند میلیون دلاری با ایران بود. سرانجام با کشورهای اروپایی و آمریکا به توافق رسیده و به قطعنامه های شورای امنیت رأی مثبت داد که نشان از این دارد که روسیه مایل نیست اروپا و آمریکا را در مقابل خود قرار دهد. در ادامه روسیه پیشنهاد کرد که روسیه اورانیوم را برای ایران غنی سازی کند که همانطور که قبل از این متذکر

بررسی سیاست خارجی

روسیه در مورد

جمهوری اسلامی ایران ...

(۱۱۳ تا ۱۳۲)

شدیم ایران ترجیح می دهد که خودش این کار را انجام دهد. مسکو از این پاسخ ناامید شده بود. بویژه پس از اینکه روسیه کارهایی از جمله راه اندازی ماهواره برای جمع آوری اطلاعات در اکتبر ۲۰۰۵ و بستن قرارداد جهت فروش سیستم های دفاعی هوایی با ایران به امضاء رساند، انتظار چنین پاسخی را نداشت. بنابراین مسکو در ژانویه ۲۰۰۶ اعلام کرد که با آمریکا و دیگران در آژانس بین المللی انرژی اتمی، می پیوندد و پرونده هسته ای ایران را در شورای امنیت رسیدگی می کند. تهران نیز با فرستادن رئیس وقت شورای امنیت ملی ایران، علی لاریجانی به مسکو اندکی پیش از رای سازمان بین المللی انرژی اتمی، نظرهای مسکو در مورد غنی سازی در روسیه را پذیرفت. روسیه در ۴ فوریه ۲۰۰۶ به بیشتر اعضای هیئت رئیسه سازمان بین المللی انرژی اتمی، پیوست تا در مورد موضوع ایران در شورای امنیت رأی گیری کنند. مقام های ایرانی بار دیگر بر کار مشترک غنی سازی تاکید کردند. طرف روسی بیان کرد که این شرایط برای آمریکا و سه کشور اروپایی قابل قبول نیست. گفتگوها به جایی نرسید و پرونده هسته ای نه تنها به شورای امنیت ارجاع شد بلکه حاصل آن چندین قطعنامه برای ایران بود که در همگی آنها با رای مثبت یا ممتنع روسیه روبرو بود (Katz, 2006: 1-7).

روسیه بین خواسته خود جهت حفظ رابطه خوب با ایران از یک طرف، طرفدار دیپلماسی روسیه در نواحی حساس اوراسیا و خریدار اصلی سلاح های روسی و تجهیزات هسته ای مردم است. از طرف دیگر، روسیه فشار زیادی را از جامعه بین المللی، بویژه آمریکا احساس می کند تا ایران را از بدست آوردن تکنولوژی هسته ای منع سازد. سیاست های حمایتی روسیه علاوه بر منافی که برای آن کشور دارد همواره تردیدهایی را برای این کشور فراهم ساخته است. از جمله اینکه روسیه از این هراس داشت که رئیس جمهور وقت ایران آقای احمدی نژاد منافع اسلامی خود را بر رابطه دو کشور برتری داده و موضوع قتل مسلمانان در چچن را مطرح کند. همچنین وقتی ایران به پیشرفت های هسته ای خود ادامه داده و به قطعنامه ها بی اعتنا باشد احتمال حمله آمریکا به فعالیت های هسته ای ایران افزایش می یابد. بنابراین مسکو بر سر دو راهی قرار می گیرد که آیا به مجازات های محدود شورای امنیت اکتفا کند یا با حمله محدود آمریکا و یکی دیگر از طرفدارانش توافق کند. این یکی از مسائلی است که روسیه ممکن است در آینده با آن مواجه شود (Freedman, 2006: 42-50).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵



برخی از نکات پیشینه روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی هسته ای به شرح زیر می باشد:

- تصویب قراردادهای همکاری هسته ای ایران با روسیه و چین توسط مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳ آوریل ۱۹۹۳.
- درخواست راکتورهای آب سنگین توسط ایران از روسیه در سال ۱۹۹۳.
- اعلام سفیر روسیه در تهران مبنی بر تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۳.
- آغاز فعالیت کارشناسان روسی در نیروگاه اتمی نیمه تمام بوشهر با وجود مخالفت شدید آمریکا مورخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳.
- گفتگوهای ایران و روسیه در مورد غنی سازی اورانیوم برای ایران مورخ ۸ و ۷ ژانویه ۲۰۰۶.
- روسیه و چین پیش نویس قطعنامه پیشنهادی توسط آمریکا و انگلیس و فرانسه را که در چارچوب فصل هفتم منشور تنظیم شده بود را رد کردند، مورخ ۵ مه ۲۰۰۶.
- روسیه در ۲۰۰۷ نخستین ارسال سوخت را به نیروگاه اتمی بوشهر ارائه داد. مقام های روسی ادعا کردند که این سوخت تحت کنترل آژانس بین المللی انرژی اتمی، است.
- ایران در ۲۰۰۹ آزمایش هایی را در نیروگاه هسته ای بوشهر با استفاده از میله مصنوعی سوخت انجام داده است که با سرب به جای اورانیوم غنی شده بارگیری شدند.
- در ژانویه ۲۰۱۲ مقام های ایرانی ادعا کردند نیروگاه بوشهر پس از سالها در ظرفیت کامل خود به سر می برد. (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۲۷۲-۲۷۰).

بررسی سیاست خارجی  
روسیه در مورد  
جمهوری اسلامی ایران ...  
(۱۱۳ تا ۱۳۲)

## نتیجه

تلاش روسیه در این سالها همواره پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران بوده است. پس می توان این فرضیه را قبول کرد که روابط ایران و روسیه، از جمله در پرونده هسته ای ایران نه در چارچوب یک مشارکت استراتژیک، بلکه در قالب همکاری های احتیاط آمیزی است که منافع روسیه را در بردارد. هدف اصلی روسیه از حمایت برنامه هسته ای ایران این است که نمی خواهد بازار پر سود و منفعت

ایران را که جای خالی آمریکا نیز در آن وجود دارد را از دست دهد. روسیه در مورد برنامه هسته ای به دنبال منافع ملی خویش بوده و اینگونه نیست که تحت هر شرایطی از ایران حمایت کند. نکته اینجاست که روسیه حاضر نیست که یک ایران هسته ای قدرتمند را در کنار مرزهای خود و در همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی بپذیرد. همچنین با ایران در زمینه اقتصادی و اعمال نفوذ در اینگونه کشورها به رقابت پردازد. بنابراین اگر روسیه در برنامه صلح آمیز هسته ایران تردید کند، به تجدیدنظر در همکاری خود با ایران پرداخته و با کشورهای غربی به طور کامل همسو خواهد شد. (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۶).

سیاست رسمی دولت روسیه نیز در این سالها همواره تاکید بر حق حاکمیت دولت ایران و پایبندی ایران به مقررات ان. پی. تی و منشور ملل متحد و نبود ایجاد هزینه از سوی این پرونده برای روابط آن کشور با غرب بوده است. زیرا این رفتار را در مخالفت‌های اولیه با غرب در این زمینه و سرانجام موافقت آرام این کشور با غرب برای ارجاع و توافق بر سر قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحده مشاهده شد. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۷۲). مقام های ایرانی نیز باید متوجه باشند که هیچ کشوری منافع دراز مدت خود را فدای کشور دیگری نخواهد کرد. در زمینه هسته ای تا آنجا می توان به روسیه اعتماد کرد که به نوعی رضایت غرب و آمریکا نیز تا حدود زیادی با آن همراه باشد. در غیر اینصورت روسیه اگر در تنگنا رابطه خود با غرب یا ایران قرار گیرد به احتمال زیاد غرب را انتخاب خواهد کرد. همچنان که در سالهای اخیر این سیاست را انتخاب کرده است.

همچنین در مورد روسیه باید اشاره کرد که اصل اساسی برای این کشور، منافع است و فشار های آمریکا در درجه دوم اهمیت قرار دارند. چنانکه در بستن قرارداد هسته ای با ایران باوجود مخالفت های شدید آمریکا، روسیه به دلیل منافع اقتصادی زیاد این طرح، آن را قبول کرد. روسیه تا آنجا با آمریکا همراهی می کند که در مقابل سردی روابط با ایران در مقابل، امتیازی از آمریکایی ها بدست آورده باشد. روسیه به خوبی می داند همراهی و همکاری کامل با ایران یا آمریکا به منافع این کشور لطمه خواهد زد. بنابراین در این سالها روسیه سعی کرده است به این اصل مهم در روابط بین الملل عمل کند. آن عبارت است از: در سیاست دوست و دشمن واقعی وجود ندارد، آنچه هست منافع کشورهاست. روسیه به خوبی توانسته از این اصل برای امتیازگیری از آمریکا و ایران استفاده کند.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

## کتابنامه

- امیدی، علی، (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، چالش های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه ستیزی ایرانی و عمل گرایبی روسی، مجله اورسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۸.
- جعفری، علی اکبر و رویا میرجلالی، (پاییز ۱۳۸۱)، مولفه های سیاست خارجی روسیه در همکاری های هسته ای با ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵۱.
- حاجی یوسفی، امیر محمد؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی در پرتو تحولات منطقه ای؛ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- سنایی، مهدی و جهانگیر کرمی؛ روابط ایران و روسیه؛ تهران: ایراس، ۱۳۸۷.
- عطایی، فرهاد و اعظم شیبانی، (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، زمینه های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک، مجله اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۸.
- کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع (CLS)، (۱۳۸۹)، تهران: ابرار معاصر.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۴)، تحولات سیاست خارجی روسیه، هویت دولت و مساله غرب؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۸)، روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه: عصر نوین همکاری ها؛ تهران: وزارت امور خارجه..
- کولایی، الهه، (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه؛ تهران: وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه و دیگران؛ بررسی روابط ایران با اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶
- موسی زاده، رضا، (۱۳۸۷)، سازمان های بین المللی؛ تهران: نشر میزان.
- ولادیمیر اورلف و آلکساندر ونیکوف، (۱۳۸۷)، انرژی هسته ای در روابط ایران و روسیه؛ مترجم بهناز اسدی کیا، ایراس.

- Elaheh, Koolae; { Iran-Russia Relation's Under Khatami }, Discours :An Iran Quarterly, Summer 2009, [Http://En.Merc.Ir/Default.aspx?Fabid=988](http://En.Merc.Ir/Default.aspx?Fabid=988) ArticleId=267, 1391/9/1, P 6 .
- Mark, Katz; { Putin, Ahmedinejad And The Iranian Nuclear Crisis }; Middle East Policy Council, March 2006, [Http://Diglib.Gmu.Edu/Dspace/Bitstream/1920/3020/4/Putin%20Ahnadinejad%20And %20 Iranian%20 Nuclear %20 Criss . pdf](http://Diglib.Gmu.Edu/Dspace/Bitstream/1920/3020/4/Putin%20Ahnadinejad%20And%20Iranian%20Nuclear%20Criss.pdf), Pp. 1-7.

- Robert , Freedman; { Russia , Iran And The Nuclear Question: The Putin Record}; Strategic Studies Institute, November 2006. [Http://Www.Strategic Studies Institute Army .Mil/Pdf Files/Pub 737.Pdf](http://www.StrategicStudiesInstituteArmy.Mil/PdfFiles/Pub737.Pdf), 1391,4,10, Pp. 42-50.
- Thomas Kunze & Lars Peterschmidt; {Russia,s Iran Policy Against The Background Of Tehrans,s Nuclear Programme} ; Auslands Information , March 2009, [Http://Www.KAS.De/WF/Doc/Kas11144-544-2-30.Pdf](http://www.KAS.De/WF/Doc/Kas11144-544-2-30.Pdf?090721135328) ?090721135328, 1391,4,10, Pp. 153-156.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵